

نزاع در اختلاف نوعی وجود رابط و محمولی

دکتر عبدالعلی شکر *

چکیده

صدرالمتألهین در بیان دو اطلاق وجود رابطی، به اختلاف نوعی میان یکی از اطلاقات آن با وجود محمولی معتقد شده است. این عقیده با اشتراک معنوی و وحدت مفهوم وجود ناسازگار به نظر می‌رسد. به همین جهت شارحان وی به توجیه اختلاف نوعی و رفع تعارض پرداخته‌اند. برخی این دیدگاه را از وی عجیب دانسته و گروهی در تأیید آن، وجه مشترک میان وجود رابط و محمولی یا مستقل را نفی کرده‌اند. برخی دیگر غایت تبعاعد و بینونت را بر مبنای تشکیک وجود مطرح کرده‌اند. اختلاف در مفهوم، توجیه دیگری برای بیان این ادعاست. علامه طباطبایی دیدگاهی مقابل نظر ملاصدرا دارد.

در واقع، وجود رابط که در مقابل وجود محمولی قرار دارد و در قضا یا استعمال می‌شود و مربوط به حوزه منطقی می‌باشد، با آن وجود رابط که در مقابل وجود مستقل قرار دارد و یک بحث فلسفی به شمار می‌رود متفاوت است. آنچه صدرالمتألهین حکم به اختلاف نوعی آنها نموده است، وجود رابط به معنای نخست با وجود محمولی است. قسم دیگر مشمول اشتراک معنای وجود است.

واژگان کلیدی: وجود رابط، وجود مستقل، وجود محمولی، صدرالمتألهین، اختلاف نوعی.

مقدمه

در مورد اختلاف وجود رابط و محمولی، عبارتی در اسفار وجود دارد که نزاع فراوانی را در میان شارحان صدرالمتألهین ایجاد کرده است. از یک طرف، میان صدرالمتألهین و برخی از شارحان وی در اصل مسئله و از طرف دیگر، در میان شارحان حکمت متعالیه در توجیه و تفسیر بیان صدرالمتألهین، اختلاف دیدگاه وجود دارد. برخی دیدگاه‌ها مقابل نظر ملاصدرا قرار گرفته و گروهی برای ایجاد سازگاری میان اصول حکمت متعالیه تلاش کرده‌اند. ملاصدرا معتقد است وجود رابطی^۱ در اصطلاح فلاسفه به دو معنا به کار رفته است: معنای نخست در مقابل وجود محمولی است که در قضایای حملیه رایج است؛ معنای دوم وجود ناعتی است که وجود فی نفسه آن برای غیر است. ملاصدرا میان وجود رابط به معنای نخست و وجود محمولی اختلاف نوعی قائل است (ملاصدرا، ج ۱، ص ۷۹)، زیرا تعلقی بودن را عین ذات وجود رابط می‌داند که از آن غیر قابل انسلاخ است (همان، ص ۸۲)، در حالی که وجود محمولی دارای استقلال مفهومی است و به همین جهت می‌تواند در قضیه محمول واقع شود. به عبارت دقیق‌تر اختلاف آنها به لحاظ مفهوم و عنوان، اختلاف تبیینی و به لحاظ مصداق، اختلاف از نوع متحصل و لامتحصل است (همان، ص ۱۴۳). بر مبنای اصالت وجود، نظر نهایی صدرالمتألهین این است که تمام ممکنات عین ربط و تعلق به ذات مستقل خداوند بوده و از نوع اضافه اشراقیه می‌باشند (همان، ج ۲، ص ۳۰۰-۲۹۹).

اختلاف نوعی

ملاصدرا پس از توضیح یکی از اطلاقات وجود رابطی، که در مقابل وجود محمولی قرار دارد و در قضایای حملیه، رابط واقع می‌شود، اختلاف وجود رابط به این معنا را با وجود محمولی اختلاف نوعی می‌داند و بلافاصله توضیح می‌دهد که این مطلب با آنچه در مورد اتفاق نوعی طبیعت وجود گفته‌ایم منافات ندارد و در نهایت به اشتراک لفظی میان این دو وجود رأی می‌دهد:

... و قد اختلفوا فی کونه غیر الوجود المحمولی بالنوع أم لا، ثم تحققة فی الهیات البسیطة أم لا؟ و الحق هو الاول فی الاول والثانی فی الثانی. والاتفاق النوعی فی طبیعة

الوجود مطلقاً عندنا لا ينافي التخالف النوعي في معانيها الذاتية و مفهوماتها الانتزاعية، كما
سيتضح لك مزيد ايضاح. على أن الحق أن الاتفاق بينهما في مجرد اللفظ (همان، ج ۱،
ص ۷۹).

آنچه شگفتی برخی از شارحان صدرالمتألهین را برانگیخته، این است که وی از یک طرف
به طور مستدل قائل به اشتراک معنوی مفهوم وجود و وحدت آن شده است (همان، ص ۳۵) و از
طرف دیگر، به اختلاف نوعی دو قسم از اقسام وجود قائل شده و اشتراک آنها را تنها در لفظ
می داند. به همین جهت گروهی از هم مشربان وی، این مطلب را از او بسیار عجیب دانسته-
اند (حسن زاده آملی، ص ۹۴) و دسته دیگر به انحاء مختلف به توجیه کلام ایشان پرداخته اند که
در ادامه به آنها اشاره می شود.

زمینه اختلاف نوعی در کلام ابن عربی و فارابی

آنچه صدرالمتألهین در خصوص اختلاف نوعی و تباینی دو وجود رابط و مستقل، در اثر بزرگ
خود/سفر بیان کرده است، در کلام ابن عربی در زمینه عدم مناسبت میان حق و ممکنات نیز
دیده می شود. عرفا نسبت میان مخلوقات با ذات حق را نسبت ظل و ذی ظل می دانند. آنان ظل را
به معنای انتسابی قلمداد می کنند. این نسبت در نظر عرفا یک نسبت کونی است که
صدرالمتألهین از آن به وجود تعبیر می کند (ملاصدرا، ج ۲، ص ۲۹۲). در عرفان وجود به خداوند
اختصاص دارد و ما سوی الله را وجود کونی می نامند که تنها انتساب به وجود حق است. این
وجودهای انتسابی، معانی عدمی هستند و به همین جهت با ذات حق مناسبتی ندارند. ابن عربی
ضمن اینکه مناسبت میان ما سوی الله با ذات حق را منتفی می داند، معرفت ذات حق را که وجود
مطلق است نیز برای ماسوای او که وجودات مقید هستند، نفی می کند (ابن عربی، ص ۴).

پس در نظر ابن عربی میان وجود حقیقی با وجودات کونی یا ممکن مناسبتی وجود ندارد؛
چنان که مقید را نشاید که مطلق را دریابد. شایان ذکر است که اختلاف به اطلاق و تقیید در
کلام برخی از شارحان صدرالمتألهین نیز دیده می شود (کدیور، ص ۱۷۱).

همچنین آقا علی مدرس در جایی دیگر تقابل فقر ممکنات و غنای واجب را تقابل سلب و
ایجاب می داند (مدرس زنوزی، ص ۵۴). فارابی نیز ذات واجب را مباین با جمیع ممکنات و ما

سوی الله قرار داده و هر گونه مناسبت و مشاکلتی را میان اینیت واجب که اعلی، اشرف و افضل است و میان ممکنات که صرف وابستگی و عین تعلق هستند، منتفی می کند (فارابی، ص ۱۰۶).

دیدگاه‌های مختلف در تفسیر اختلاف نوعی وجود رابط و محمولی

۱. عدم وجه مشترک میان وجود رابط و محمولی

برخی در تحلیل بیان صدرالمألهین گفته‌اند:

اگر میان دو چیز اشتراک لفظی باشد، معنایش این خواهد بود که وجه مشترکی را نمی‌توان از میان آنها استخراج نمود؛ زیرا وجود رابط در حکم ادواتی است که بالذات مورد ملاحظه واقع نمی‌شود، اما وجود محمولی، فی نفسه - اعم از لفظ و لغیره - است؛ بنابراین در حکم ادواتی است که بالذات مورد ملاحظه قرار می‌گیرد. وجود معنای مشترک میان «ادوات غیر ملحوظه بالذات» با «ادوات ملحوظه بالذات» امکان پذیر نیست. پس حق آن است که اتفاق میان وجود رابط و محمولی به مجرد لفظ است (ملا محمد، ص ۷۶).

وجود جامع مشترک، مستلزم این است که امر جامع مشترک بر هر دو حمل شود. یکی از آن دو، وجود رابط است که باید بتواند موضوع جامع مشترک واقع شود. حال آنکه وجود رابط به دلیل معنای حرفی نمی‌تواند در معنای اسمی ظاهر شود و در جایگاه موضوع قرار گیرد؛ زیرا معنای حرفی و حالت رابطی و عدم استقلالی، از دامن وجود رابط زدوده نخواهد شد. حیثیت تعلق و ربطی، ذاتی وجود رابط است و انفصال از این خصوصیت موجب انقلاب ذاتی خواهد بود؛ پس وجه مشترکی میان وجود رابط و مستقل موجود نیست. در نتیجه اختلاف میان وجود رابط و محمولی، نوعی است.

مناقشات مدرس زنوزی در این استدلال

مدرس زنوزی در رساله وجود رابطی با این نحوه استدلال به مخالفت برخاسته و با سه مناقشه آن را تمام ندانسته است:

مناقشه اول

وجود قدر مشترک زمانی می‌تواند مستلزم انقلاب نسبت به طرف نسبت شود که نسبت، بالفعل موضوع واقع شود، در حالی که این فعلیت مبین نیست.

توضیح آنکه تحقق قدر مشترک همانند تقرر ذات یک موضوع در خارج و نیز مجرد قیام مبدأ محمول به ذات موضوع و انتزاع این مبدأ از آن، موجب فعلیت حمل نیست؛ بلکه فعلیت حمل مستلزم وجود شرایط دیگری است. از جمله اینکه حصول مبدأ محمول که قائم به موضوع است امکان تحقق در ذهن را داشته باشد و لایشرط هم مأخوذ شود تا حمل فعلیت یابد. در غیر این صورت، تحقق حمل در حقیقت وجود، بالفعل و بالقوه امکان پذیر نیست. هم چنان که اشیای ماهوی که در خارج دارای هویت و در حقیقت وجود خارجی مشترک هستند، میان هیچ یک از این هویتات حمل محقق نمی شود. یعنی تحقق آن حقیقت، در ذهن ممکن نیست؛ زیرا عین خارجیت است، همان طور که امر ذهنی عین وجود ذهنی است. پس تحقق هریک از آنها در ———وطن دیگری ———انقلازم ———انقلاب ذات آنهاست. امکان حصول مبدأ محمول نیز در فعلیت آن کفایت نمی کند، بلکه لازم است در ذهن به صورت لایشرط فعلیت یابد، چنانکه ماهیت انسان در افرادش موجود است و امکان حصول در ذهن را دارد، اما حمل میان ماهیت انسان و افرادش تحقق نمی یابد. حصول بالفعل در ذهن نیز کافی نیست، بلکه باید به نحو استقلالی حصول یابد. بنابراین معانی حرفیه گاهی در ذهن تحقق می یابند در حالی که حمل میان آنها و غیر خود تحقق نمی پذیرد؛ زیرا معانی حرفیه که به صورت بالفعل در ذهن تحقق یافته اند صلاحیت محمولیت را ندارند و حتی اگر صلاحیت محمولیت را داشته باشند نیز کافی نیست؛ بلکه واجب است موضوع هم بعد از امکان حصول و فعلیت آن در ذهن، برای موضوعیت صلاحیت داشته باشد (کدیور، ص ۱۷۳).

رد مناقشه اول

این مناقشه از ناحیه برخی دیگر مورد قبول واقع نشده است. از نظر این دسته مقصود کسانی که وجود قدر مشترک را مستلزم انقلاب می دانند، همان امکان انقلاب است که دگرگونی نسبت را به طرف نسبت صلاحیت می بخشد. وقتی تحقق چیزی در خارج ممتنع باشد، احتمال آن نیز از بین می رود. حال اگر انقلاب نسبت به طرف نسبت محال و ممتنع باشد هر چیزی که مستلزم پیدایش امکان این انقلاب باشد نیز ممتنع خواهد بود؛ زیرا ممتنع در عالم خارج به معنای عدم امکان وجود آن است (ابراهیمی دینانی، ص ۲۸۷).

مناقشه دوم

اگر قدر مشترک میان وجود رابط و محمولی وجود نداشته باشد آنگاه میان تمام نسبت‌های جزئی که از آلات و ادوات به‌شمار می‌روند و همچنین میان آنها و سایر امور، هیچ گونه قدر مشترکی نباید وجود داشته باشد، حال آنکه این نسبت لاقبل در مفهوم نسبتاً جزئی‌آلی با یکدیگر اشتراک دارند. همچنین تمام آلات و ادوات، در آلات و ادوات بودنشان؛ تمام مفاهیم در مفهومیت خود، تمام موجودات ذهنی در موجودیت، تمام ممکنات در ممکنیت و تمام معدومات در معدومیت به حسب حکم عقل که مطابق نفس الامر است، مشترک هستند. هرچند معدومات ذات واقعی ندارند. این مفاهیم یا به کلی ذاتیات هستند یا عرضیات و یا به لحاظ ذاتیت و عرضیت مختلف هستند (کدیور، ص ۱۷۳).

مناقشه سوم

اگر این سخن درست باشد، هیچ گونه قضیه محصوره‌ای اعم از ایجابی یا سلبی منعقد نخواهد شد، زیرا انعقاد این گونه از قضا یا متوقف بر «عقد الوضع» و «عقد الحمل» است و حال آنکه عنوان موضوع در عقد الوضع قدر مشترک میان افراد خود است، چنان که عنوان محمول نیز در عقود ایجابی صادق، قدر مشترک میان آنهاست (همان، ص ۱۷۴).

ایشان در پایان مناقشات خود چنین می‌نویسد:

ويستين من هذا أن المعنى الآلية إذا لوحظت حقيقة واصلتة فهي معاني حرفية وإذا لوحظت بوجوه كلية حاكية عنها فهي معاني اسمية (همان، ص ۱۷۵).

پس مطابق این سخن، معانی حرفی به دو لحاظ، دو عنوان به خود می‌گیرند. یکی به لحاظ حقیقت آنهاست که چیزی جز معانی حرفی نیستند و دیگر ملاحظه این معانی حرفی به‌عنوان امر کلی است که در این صورت مانند سایر معانی ذهنی یک معنای اسمی و امر مستقل به‌شمار می‌روند.

اخذ معنای اسمی از معنای حرفی

صدرالمتألهین تعلقی بودن را عین ذات وجود رابط می‌داند به گونه‌ای که این ویژگی از وجود رابط غیر قابل انسلاخ و انفکاک است، اما بلافاصله اشاره می‌کند وجود رابط که مفاد معنای حرفی است، می‌تواند به صورت معنای اسمی أخذ شود:

والحاصل أن الوجود الرباطي بالمعنى الاول مفهوم تعلقى لا يمكن تعقلها على الاستقلال و هو من المعانى الحرفية و يستحيل أن يسلم عنه ذلك الشأن، و يؤخذ معنى اسماً بتوجيه الالتفات اليه فيصير الوجود المحمولي (ملاصدرا، ج ۱، ص ۸۲).

۲. غایت تباعد

دسته دیگری از پیروان صدرالمتألهین، کلام ایشان را مبنی بر اختلاف نوعی میان وجود رابط و محمولی، حمل بر شدت بُعد و نهایت اختلاف این دو قسم از وجود کرده‌اند (جوادی آملی، ص ۵۲۳)؛ زیرا بنا بر قول به اشتراک معنوی وجود و ذومراتب بودن آن، تنها راه توجیه سخن صدرالمتألهین این است که وقتی فاصله بین مراتب وجود به نهایت خود می‌رسد، در یک طرف وجود حق و مستقل قرار دارد که شدت وجود است و در طرف دیگر وجود رابط است که اضعف مراتب است.

مرحوم سبزواری در ذیل کلام صدرالمتألهین ضمن اینکه اتحاد معنای این دو وجود را مستلزم انقلاب می‌داند، معتقد است که شاید مراد ایشان از اختلاف نوعی و اشتراک لفظی میان دو وجود رابط و مستقل یا محمولی این باشد که چون بین آنها غایت تباعد و بینونت وجود دارد، همانند مشترک لفظی است. ایشان اتصاف ماهیت به وجود را به عنوان شاهد ذکر می‌کند. اصرار مرحوم سبزواری و دیگر شارحان صدرالمتألهین در توجیه نظر صاحب حکمت متعالیه به دلیل آن است که پذیرش اشتراک لفظی میان دو قسم از وجود، با مبنای صدرالمتألهین که همان وحدت مفهوم وجود و تشکیک حقیقت آن است، ناسازگاری دارد.

به اعتقاد سبزواری همان‌طور که در نظر صدرالمتألهین انتزاعیات و اضافات و همچنین اعدام ملکات بهره‌ای از وجود دارند، وجود رابط هم باید حظی از وجود داشته باشد؛ اما به علت ضعف آن، از وجود مستقل و محمولی فاصله بسیار دارد و بدین ترتیب هر دو به این معنا موجود هستند، چرا که اگر وجود رابط موجود نباشد، در آن صورت صدق و کذب قضایا بدون ملاک می‌ماند. بنابراین سبزواری ترجیح می‌دهد که اختلاف نوعی را به اختلاف در مرتبه ارجاع دهد؛ زیرا در مراتب تشکیکی ما به الاتفاق، عین ما به الاختلاف آن است و یک سنخ وجود بیشتر نخواهد بود. حتی اگر یکی ذهنی و دیگری خارجی باشد، می‌توان اختلاف آنها را به

شدت و ضعف بازگرداند. با این بیان باید کلام ملاصدرا را چنین تعبیر کرد که اختلاف نوعی از جهت مفهوم است نه اینکه هیچ جهت اتفاقی بین آنها نباشد (سبزواری، حاشیه بر اسفار، ص ۸۰). حکیم آقا علی مدرس توجیه سبزواری را نپسندیده و آن را ضعیف دانسته است (کدیور، ص ۱۷۶).

بیان سبزواری که صدق و کذب قضیه را مشروط به وجود رابط می‌داند با اعتقاد ایشان در مورد هلیات بسیطه که فاقد رابط بوده، اما مشمول صدق و کذب‌اند، ناسازگار است.

۳. اختلاف در مفهوم

طریقه دیگری که برای توجیه اختلاف نوعی، توسط حکمای بعد از صدرالمتألهین پیموده شده این است که منظور صدرالمتألهین از اختلاف نوعی دو وجود رابط و مستقل چیزی جز اختلاف مفهومی نمی‌تواند باشد. در حاشیه سبزواری ذیل مسئله مورد بحث به اختلاف مفهومی نیز به-عنوان طریقه اولی در حل ناسازگاری کلمات صدرالمتألهین اشاره شده است:

والاولی أن یقال: کلامه فی تخالف المفهومین بما هما مفهومان و بما هما کالماهیتین لذینک الوجودین الرابطة والمحمول، لأن الوجودین لاجت اختلاف بینهما (سبزواری، حاشیه بر اسفار، ص ۸۰).

همچنین حکیم آقا علی مدرس در رساله رابطی در اختلاف مفهومی بین وجود رابط و محمولی به‌عنوان یکی از احتمالات در کلام صدرالمتألهین به استدلال پرداخته است. ایشان در استدلال خود مفهوم وجود محمولی را خارج از مقولات دانسته و در مقابل آن، مفهوم وجود رابطی را در مقوله اضافه قرار داده و از این طریق بر اختلاف مفهومی آنها استدلال کرده است. بدین ترتیب که مفهوم وجود محمولی، مستقل در تصور است و در عین حال خارج از مقولات است و بر ذات حق نیز صدق می‌کند؛ اما مفهوم وجود رابط، استقلال در تصور ندارد و مندرج در مقوله اضافه خواهد بود، لیکن وجود رابط و مستقل در اصل وجود متحد هستند (کدیور، ص ۱۷۰).

مطابق بیان ایشان اختلاف وجود رابط و مستقل یا محمولی در مفهوم و اتحاد در حقیقت و اصل وجود است.

شبهه این سخن، در حاشیه حکیم نوری ذیل بحث مورد نظر نیز آمده است، با این تفاوت که ایشان اختلاف آنها را اعتباری می‌داند و برای مقوله اضافه که از معقولات ثانیه به شمار می‌رود تحقق ضعیفی قائل است که به این اعتبار از سنخ حقیقت وجود محمولی خواهد بود (نوری اصفهانی، ص ۷۹).

تلاش حکیم نوری در اندراج وجود رابط تحت مقوله اضافه بیشتر برای توجیه اتحاد سنخی آنهاست، اما تلاش آقا علی مدرس بیشتر در جهت توجیه اختلاف مفهومی آنهاست.

چند نکته

نکته اول

با اندکی دقت روشن می‌شود که بازگشت کلام حکیم آقا علی نوری به سخن مرحوم سبزواری است که در تفسیر اختلاف نوعی وجود رابط و محمولی قائل به غایت تباعد و بینونت میان این دو وجود شد؛ زیرا مطابق بیان ایشان در سلسله تشکیکی وجود حتی اگر وجود رابط از وجود ذهنی هم برخوردار باشد باز هم در موجودیت با وجود محمولی که عین خارجیت است هم سنخ خواهند بود.

نکته دوم

اینکه اگر مباینیت مفهومی میان وجود رابط و وجود محمولی باشد آنگاه این مباینیت منحصر به این دو قسم نخواهد بود، بلکه تمام مفاهیمی که از وجودات نفسی نیز انتزاع می‌شوند با هم مباین خواهند بود.

همچنین با توجه به اینکه مرحوم سبزواری در حاشیه دیگری (سبزواری، حاشیه بر اسفار، ص ۷۹)، «اتفاق نوعی» در کلام صدر المتألهین را به دلیل نوع نداشتن وجود به معنای سنخ حقیقت وجود دانسته است؛ چنان که در عبارت حکیم آقا علی نوری و آقاعلی مدرس نیز به همین معنا تلقی شده است؛ حال اگر مقصود صدر المتألهین مباینیت مفهومی وجود رابط و محمولی باشد، آنگاه این مباینیت به حسب سنخ نخواهد بود، زیرا مقصود، بیان مسانخت در حقیقت و اصل وجود است نه در مفهوم.

نکته سوم

حکیم آقا علی مدرس و آقاعلی نوری، وجود رابط را مندرج در تحت مقوله اضافه دانسته‌اند و همین امر را محور استدلال خود در اثبات اختلاف مفهومی وجود رابط و محمولی قرار داده‌اند؛ اما روشن است امری که تحت مقوله‌ای از مقولات ده گانه قرار گیرد چیزی جز یک ماهیت نخواهد بود. ماهیت است که در جواب «ما هو» می‌آید و می‌تواند مقول و محمول واقع شود؛ اما وجود رابط قسیم وجود محمولی است و نمی‌تواند محمول واقع شود و در نتیجه در زمره ماهیات نمی‌تواند قرار گیرد. آنچه از وجود رابط قابل انتزاع است تنها مفهوم است؛ اما هرگز ماهیت از وجود رابط انتزاع نمی‌شود.

نکته چهارم

میان اضافه مقولیه با مقوله اضافه از یک طرف و میان اضافه مقولیه با اضافه اشراقیه از طرف دیگر، تفاوت وجود دارد. فرق میان اضافه اشراقیه و اضافه مقولیه در این است که اضافه مقولیه همواره قائم به دو طرف است و بین طرفین نیز نوعی تکافو و هماهنگی وجود دارد؛ اما اضافه اشراقیه چیزی است که پیوسته قائم به طرف واحد می‌باشد و خود، طرف آفرین است. در مقوله اضافه، حقیقت اضافه همواره اضافه است و طرف واقع نمی‌شود. به عبارت دیگر، حقیقت اضافه هرگز مضاف یا مضاف الیه نمی‌شود. در اضافه اشراقیه نیز واقعیت اضافه تنها عین ربط و وابستگی به صاحب اشراق است.

بین اضافه مقولیه با مقوله اضافه نیز تفاوت است. مقوله اضافه در زمره ماهیات واقع می‌شود؛ اما اضافه مقولیه یک واقعیت عینی و خارجی است. اضافه مقولیه و اضافه اشراقیه در این ویژگی مشترکند که هیچ کدام امر ماهوی نیستند؛ اما مقوله اضافه امر ماهوی است. آنچه از اضافه مقولیه قابل انتزاع است، مفهوم است؛ لیکن ماهیت را از مقوله اضافه می‌توان انتزاع کرد.

آنچه در خصوص وجود رابط گفته می‌شود، اضافه مقولیه است نه مقوله اضافه؛ زیرا وجود رابط دارای ماهیت نیست و تنها مفهوم از آن انتزاع می‌شود. چنانکه اضافه مقولیه نیز با اضافه اشراقیه یکی نیست.

ذکر این نکته حائز اهمیت است که بنا به قول مشهور، وجود رابط از نوع اضافه مقولیه و مطابق نظر نهایی صدرالمآلهین در باب وجود رابط و اینکه تمام ممکنات عین ربط و تعلق محض نسبت به ذات واجب الوجودند، از نوع اضافه اشراقیه خواهد بود.

۴. اختلاف متحصل با لا متحصل

با دقت نظر در برخی از کلمات صدرالمتألهین، می‌توان توجیه قابل ملاحظه‌ای از اختلاف نوعی میان وجود رابط و مستقل به دست آورد.

صدرالمتألهین در ضمن بحث از مواد ثلاث و در پاسخ به اشکالی در خصوص لزوم تسلسل در مواد ثلاث، به نکته‌ای اشاره می‌کند که به منازعات شارحان، در خصوص اختلاف نوعی وجود رابط و محمولی یا مستقل نیز پایان می‌دهد. حاصل تحقیقی که ایشان در این زمینه انجام داده است این است که می‌بایست به تفاوت میان دو اعتبار «ما فیہ ينظر» و «ما به ينظر» یا نظر آلی و استقلالی توجه شود و احکام مختلف هر کدام مورد بررسی قرار گیرد.

ایشان در توضیح این دو نحوه اعتبار، به صورت معقوله مثال می‌زند و معتقد است که عقل گاهی به وسیله صورت معقوله، غیر آن را مورد توجه و نظر قرار می‌دهد و گاهی به خود آن صورت معقوله توجه می‌کند. حالت اول همان اعتبار «ما به ينظر» یا نظر آلی است و حالت دوم «ما فیہ ينظر» یا نظر استقلالی است. به عنوان مثال، صورت عقلی انسان با نظر آلی و ما به ينظر، هیچ گونه حکمی بر آن بار نمی‌شود؛ زیرا از این جهت نه موجود است و نه معدوم، نه ممکن است و نه واجب و همین‌طور سایر احکام را نیز ندارد. صورت معقوله انسان در این حالت تنها مرآت و آینه منعکس کننده حقیقت جوهری انسان در خارج است. در حالی که اگر همین صورت معقوله انسانی با نظر استقلالی و فیہ ينظر مورد توجه واقع شود، احکام مخصوص به خود پیدا می‌کند، سوای آنچه انسان خارجی و حقیقت جوهری آن در خارج دارد. در این حالت صورت معقوله، عرضی قائم به نفس و کیف نفسانی است (ملاصدرا، ج ۱، ص ۱۴۲ و ۱۴۳). خواجه نصیر الدین طوسی نیز به این مسئله اشاره کرده است (طوسی، ص ۱۰۷).

همین سخن را در بحث مورد نظر یعنی وجود رابط و مستقل نیز می‌توان جاری کرد. بدین ترتیب که معنای حرفی و ربطی به دو لحاظ می‌تواند مورد توجه واقع شود. هنگامی که با نظر آلی و «ما به ينظر» توأم باشد، هیچ حکمی ندارد و هیچ احکامی بر آن بار نمی‌شود. به عبارت دیگر، نه موضوع قرار می‌گیرد نه محمول واقع می‌شود. با این بیان معانی حرفی در نگرش آلی هرگز معنای اسمی نخواهند داشت تا محمول یا موضوع واقع شوند. اما اگر با نگرش استقلالی و «ما فیہ ينظر» به معنای حرفی و ربطی نگریسته شود، چیزی جز یک وجود مستقل و معنای

اسمی نخواهد بود که در این صورت احکام خاص خود را دارا است و به این لحاظ می تواند موضوع یا محمول واقع شود و احکام وجود محمولی را داشته باشد.

مدرس هیدجی زنجانی با الهام از همین بیان به توجیه اشتراک لفظی میان وجود رابط و محمولی پرداخته است. ایشان در ذیل کلام صدر المتألهین بر این باور است که وجود رابط به لحاظ رابط بودنش نه مشمول وجود است و نه شیئی از اشیا به شمار می آید و اگر در همین حال «وجود» بر آن اطلاق شود، به اشتراک لفظ خواهد بود و این سخن حقی است. پس اگر عقل نظر استقلالی به آن بیفکند و آن را به صورت مستقل، موضوع یا محمول قرار دهد، به وجود محمولی مبدل می شود. این شأن معانی حرفی است که در مقام روابط و ادوات بودن فاقد معنای محصلی هستند؛ اما در مقام لحاظ استقلالی به معنای اسمی و مستقل دگرگون می شوند و این دگرگونی از نوع انقلاب ناقص به تام و قوه به فعل است (مدرس هیدجی، ص ۷۹ و ۸۰).

در اینجا ممکن است اشکال شود که اگر معنای حرفی و مفهوم ربطی به صورت معنای اسمی و مستقل در آید مستلزم انقلاب است.

صدر المتألهین به این اشکال چنین پاسخ می دهد: انقلاب دو گونه است که یکی از آنها مستحیل است و دیگری مستحیل و محال نیست. انقلاب مستحیل آن است که فعلیتی به فعلیت دیگر تبدیل شود؛ زیرا هر فعلیت و صورت نوعی محصل، طرد کننده سایر صور و فعلیت هاست، دو صورت یا دو فعلیت در یک چیز قابل تحقق نیست.

انقلاب غیر مستحیل آن است که امری بالقوه به فعلیت برسد یا لامتحصلی، تحصیل پیدا کند و همچنین انقلاب جنس به فصل و ناقص به تام از این گونه انقلاب به شمار می آید. در این گونه موارد اموری که منقلب شده اند مبهم و لا متحصّل هستند، اما این ابهام و لا متحصّل بودن می تواند به فعلیت و تحصیل برسد.

با عنایت به این توضیح می توان گفت که انقلاب معنای حرفی و ربطی به معنای اسمی و محمولی همانند انقلاب صور محصله، مستحیل نیست؛ زیرا همان گونه که اشاره شد معنای حرفی و تعلقی وقتی که با لحاظ آلی و «ما به ينظر» ملاحظه شوند از هیچ گونه شیئی برخوردار نیستند و تنها نسبت شیء هستند. میان شیء و نسبت شیء تفاوت بسیار است. حقایق ربطی و تعلقی با این لحاظ فاقد ماهیت و ذات هستند و در این صورت، مابین حقایق دیگر می باشند. در نتیجه به دلیل نداشتن تحصیل و فعلیت، قابل تحویل به تحصیل و فعلیت هستند و از این جهت با

امور محصله، مانعة الجمع نیستند. امر لامتحصل با هر متحصل قابل جمع است؛ نظیر آینه که چون صورتی از خود ندارد، هر صورتی را می‌تواند در خود منعکس کند (ملاصدرا، ج ۱، ص ۱۴۳).

بنابراین از مجموع کلمات صدر المتألهین می‌توان چنین نتیجه گرفت که اگر از اختلاف نوعی میان وجود رابط و محمولی سخن گفته می‌شود، مقصود عناوین و مفاهیم متنوع از وجود رابط و محمولی است؛ زیرا مفاهیم همانند ماهیت، انقلاب و تحویل پذیر نیستند. اما آنجا که سخن از انقلاب آنها به میان می‌آید، مقصود حقیقت و مصادیق آن مفاهیم است که یکی لامتحصل و دیگری متحصل است؛ به گونه‌ای که انقلاب لامتحصل به متحصل از نوع انقلاب مستحیل نیست. پس می‌توان اختلاف آنها را به لحاظ مفهوم و عنوان، اختلاف تبیینی و به لحاظ مصداق، اختلاف از نوع متحصل و لامتحصل دانست.

تحلیل مدرس زنوزی از اختلاف نوعی وجود رابط و محمولی

ایشان معتقد است که کلام صدر المتألهین در ابتدا آشفته به نظر می‌رسد، اما با دقت نظر این آشفتنگی مرتفع می‌شود. به نظر این حکیم، مشاجراتی که در میان شارحان و مفسران حکمت متعالیه در خصوص اختلاف نوعی وجود رابط و محمولی صورت گرفته است به دلیل آن است که این گروه موضع خلاف را به خوبی روشن نساخته‌اند. وی سپس در پی رفع این نقیصه برمی‌آید و تمام احتمالاتی را که در این موضع محتمل است بر می‌شمرد و اعتقاد دارد که اختلاف وجود رابط و محمولی به حسب احتمال به چهار وجه ممکن است فرض شود:

الف) اختلاف در مفهوم وجود رابط با مفهوم وجود محمولی .

ب) اختلاف در حقیقت وجود رابط با حقیقت وجود محمولی .

خ) اختلاف میان حقیقت وجود رابط با مفهوم وجود محمولی .

د) اختلاف میان مفهوم وجود رابط با حقیقت وجود محمولی .

حکیم آقا علی سپس جداگانه به اثبات این چهار دسته اختلاف می‌پردازد و در نهایت بر اختلاف نوعی وجود رابط و محمولی صحه می‌نهد.

در مورد اختلاف دسته اول ایشان معتقد است مفهوم وجود رابطی یک اتحاد جزئی و آلی است که نقش اتحاد موضوع و محمول را به عهده دارد. اما مفهوم وجود محمولی مفهومی است

که در تمام موجودات سریان دارد و با لفظ «هست» در زبان فارسی به آن اشاره می‌شود. با این بیان روشن می‌شود که اشتراک ذاتی بین این دو مفهوم نامعقول است.

در اثبات اختلاف در حقیقت وجود رابط و محمولی، اعتقاد ایشان بر این است که وجود رابط به دلیل اینکه حدی از وجود است شبیه به فصل است و وجود محمولی چون اصل حقیقت وجود است، همانند جنس است و چون جنس و فصل در امر ذاتی اشتراک ندارند، به همین ترتیب وجود رابط که حد خاصی از وجود است با اصل حقیقت هستی، یعنی وجود محمولی مابینت دارد. علت عدم قدر مشترک میان جنس و فصل این است که اگر چنین قدر مشترکی میان آنها موجود باشد لازم می‌آید که جنس و فصل در عرض یکدیگر قرار گیرند و فصل مقسم جنس نباشد. این ملازمه نزد علمای منطق محال است.

مستدل برای اینکه در استدلال خود به یک تمثیل قناعت نکرده باشد، چنین ادامه می‌دهد که حقیقت وجود که همان وجود محمولی است در مقابل تمام مراتب آن قرار دارد و تقابل آنها به اطلاق و تقیید است.^۲ چنانچه حقیقت وجود محمولی با وجود رابط در امر ذاتی مشترک باشد، وجود مطلق در زمره مراتب خود واقع می‌شود. ضمن اینکه حد وجود، همان فقدان وجود است و فقدان مساوی با عدم است. اشتراک ذاتی میان وجود و عدم ناممکن است. حال اگر این حد وجودی از جهت فعلیت آن نیز مورد بررسی قرار گیرد، آنگاه گفته می‌شود که این فعلیت خاص، همراه فقدان و عدم خاص است؛ زیرا معنای حد وجودی در وجودهای خاص همین است. پس مرکب از فقدان و وجدان است. در این حالت وجود رابط نسبت به وجود محمولی، همانند نوع نسبت به جنس خواهد بود. در نتیجه همان طور که اشتراک ذاتی نوع با جنس مستلزم این است که جنس در مرتبه انواع قرار گیرد، همان طور نیز وجود محمولی که اصل و حقیقت وجود است در حد مراتب آن قرار خواهد گرفت که این امر نزد محققان باطل است. حکیم آقا علی مدرس از بیان خود به این نتیجه می‌رسد که اطلاق وجود به حقیقت وجود رابطی و حقیقت وجود محمولی تنها اشتراک لفظی است (کدیور، ص ۱۷۱ و ۱۷۲).

ایشان در مورد وجه سوم و چهارم که اختلاف میان مفهوم و ماهیت یکی و حقیقت دیگری است، می‌فرماید که اختلاف در این دو مورد آشکار است؛ زیرا تردیدی نیست که مفهوم وجود رابط با حقیقت وجود محمولی و بالعکس، نمی‌تواند در امری ذاتی یا عرضی اشتراک داشته باشد (همانجا).

بنابراین حاصل کلام آقا علی مدرس این است که اختلاف نوعی میان وجود رابط و محمولی به هر شکلی که فرض شود، اجتناب ناپذیر است به همین جهت صدرالمتألهین اتفاق میان آنها را تنها در لفظ دانسته است .

دیدگاه علامه طباطبایی (عدم اختلاف نوعی)

ایشان به دلیل عدم تمایز میان رابط در قضایای حملیه و رابطی که از تحلیل اصل علیت در حکمت متعالیه به دست می آید و در حوزه فلسفه قرار دارد و به لحاظ پایبندی به اصل اشتراک معنوی وجود، ناگزیر برخلاف صدرالمتألهین اختلاف وجود رابط و محمولی را نوعی نمی داند.

مرحوم علامه با رجوع به اصل علیت بر این عقیده است که حاجت و نیازمندی در ذات معلول نهفته است و در نتیجه معلول عین حاجت و نیاز به علت خویش است. مقتضای این بیان آن است که وجود هر معلولی اعم از جوهر و عرض، رابط نسبت به علت خود باشد؛ هر چند معلولات در مقایسه با خودشان، دسته ای بی نیاز از دسته دیگرند، مانند جواهر و دسته ای دیگر به غیر محتاجند، مانند اعراض؛ زیرا عقل همین وجودات رابط را لحاظ استقلالی می کند و از آنها وجود فی نفسه می سازد و دو قسم جوهر و عرض را از آن انتزاع می کند. مفهوم در استقلال و عدم استقلال خود تابع وجودی است که از آن انتزاع می شود.

علامه طباطبایی از این بیان، عدم اختلاف نوعی وجود رابط و مستقل را نتیجه می گیرد و معتقد است که مفهوم وجود رابط قابل تبدیل به یک مفهوم مستقل است (طباطبایی، نهائیه الحکمة، ص ۳۰ و بدایة الحکمة، ص ۴۱).

اگر وجود رابط اختلاف نوعی با وجود مستقل نداشته باشد، همانند معانی حرفیه تبدیل مفهوم آن به مستقل با لحاظ استقلالی امکان پذیر خواهد بود. این نکته ای است که در کلام صدرالمتألهین و حاشیه مدرس هیدجی نیز به آن اشاره شده است (رک. ملاصدرا، ج ۱، ص ۸۰ و ۱۴۳)، با این تفاوت که مدرس هیدجی برای توجیه اختلاف نوعی وجود رابط و مستقل و مرحوم علامه طباطبایی در توجیه عدم اختلاف نوعی آنها، به آن تمسک جسته اند.

آنچه صدرالمتألهین حکم به اختلاف نوعی آن کرده است، وجود رابط و محمولی مستعمل در قضایای حملیه است؛ اما آن چیزی که علامه طباطبایی عدم اختلاف نوعی آن را به دست آورده، مربوط به حقیقت هستی و رابطه علی آنهاست. پس نزاع در مسئله واحد نیست. رابط در

قضیه مربوط به مفاهیم است و با وجود عینی سنخیتی ندارد (مصباح یزدی، شرح اسفار، ص ۳۰۵ و تعلیقه بر نهایة الحکمة، ص ۷۷).

به دلیل همین عدم تمایز، مرحوم علامه، آنجا که پای اثبات وجود رابط به میان می‌آید، از قضایای حملیه بهره می‌جوید و به اثبات وجود رابط می‌پردازد (طباطبایی، نهایة الحکمة، ص ۲۸)؛ اما آنجا که سخن از اختلاف آنهاست، با ارجاع به مباحث علیت، به عدم اختلاف نوعی آنها استدلال می‌کند. بنابراین می‌توان هر دو ادعا را حمل بر صحت کرد، زیرا موضوع واحدی در میان نیست.

نتیجه‌گیری

در تفسیر و توجیه کلام صدرالمتهلین مبنی بر اختلاف نوعی میان وجود رابط و محمولی، میان شارحان حکمت متعالیه دیدگاه‌های متفاوت وجود دارد. گروهی تأیید کرده و برخی اظهار شکفتی نموده‌اند و برخی دیگر اختلاف را نوعی ندانسته‌اند. علت تفاوت دیدگاه‌ها، ناسازگاری ظاهری دیدگاه ملاصدرا با برخی از مبانی اوست. صدرالمتهلین به این ناسازگاری توجه داشته و آن را نفی کرده است. راه حل این نوشتار تفکیک مباحث منطقی از فلسفی در این خصوص است. بدین معنا که به لحاظ منطقی مفهوم وجود رابط غیر از مفهوم وجود محمولی است؛ زیرا رابط که حاصل نسبت میان موضوع و محمول قضیه و عین وابستگی به آنهاست، نمی‌تواند محمول قضیه واقع شود و استقلال پیدا کند. به همین جهت تحقق وجود رابط در هلیات بسیطه را نیز نفی می‌کند. پس جایگاه وجود رابط وابستگی به طرفین قضیه است و به هیچ روی استقلال در مفهوم و تصور را ندارد و این عین معنای رابط بودن، غیر قابل انسلاخ از اوست، اما محمول مستقل به لحاظ معنا و مفهوم است. مقصود صدرالمتهلین از اختلاف نوعی همین معنای منطقی است، زیرا مستقل در معنا و مفهوم، مابین با غیر مستقل در مفهوم است؛ به همین جهت در قضایای منطقی اصطلاح رابط به کار می‌رود نه وجود رابط؛ زیرا وجود رابط مربوط به حوزه فلسفه است؛ زیرا یک امر وجودی است. نیز در منطق سخن از محمول است، اما در فلسفه از وجود مستقل بحث می‌شود.

همچنین اشتراک معنوی مفهوم وجود مربوط به حقیقت هستی است که فلسفه عهده‌دار بحث از آن است و ربطی به منطق ندارد. در این حوزه، وجود رابط و مستقل اتحاد در معنا دارند.

اتحاد لا متصل با متصل، که در کلام صدرالمتهین دیده می‌شود، در این حیطة نیز قابل طرح است.

بنابر این دیدگاه‌های مطرح شده به دلیل عدم توجه به تفکیک جایگاه بحث در دو حوزه منطق و فلسفه نمی‌توانند راه حل نهایی برای ناسازگاری ظاهری در کلام صدرالمتهین به شمار آیند.

توضیحات

۱. «وجود رابط» با «وجود رابطی» متفاوت است. «وجود رابط» در مقابل «وجود محمولی» و «فی نفسه» قرار دارد؛ بدین معنی که حقیقتی جز فی غیره بودن ندارد، اما «وجود رابطی» دارای وجود فی نفسه است که این نفسیت همانند اعراض، برای غیر متحقق است. وجود فی نفسه به، لِنفسه و لغيره، و وجود لِنفسه به، بِنفسه و بغيره تقسیم شده است. ذات حق تنها مصداق وجود فی نفسه لِنفسه بِنفسه است (سبزواری، شرح المنظومه، ص ۲۳۷).
۲. تعبیر به تقابل اطلاق و تقييد میان ذات حق و ما سوی الله در کلام ابن عربی نیز دیده می‌شود (ابن عربی، ص ۴).

منابع

- ابراهیمی دینانی، غلامحسین، وجود رابط مستقل در فلسفه اسلامی، تهران، حکمت، ۱۳۶۲.
- ابن عربی، محی‌الدین، کتاب المسائل، به کوشش سید محمد دامادی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۰.
- جوادی آملی، عبدالله، رحيق مختوم شرح حکمت متعالیه، بخش یکم از ج ۱، به کوشش حمید پارسانیا، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۷۵.
- حسن‌زاده آملی، حسن، رساله عمل ضابط در وجود رابطی و رابط، ترجمه ابراهیم احمدیان، قم، قیام، ۱۳۷۸.
- سبزواری، ملاحادی، حاشیه بر الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة، ج ۱، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۱ م.

- _____، شرح المنظومه (قسم الحكمة)، به كوشش حسن زاده آملی و مسعود طالبی، ج ۲، قم، نشر ناب، ۱۴۱۶ق.
- طباطبایی، محمدحسین، *بداية الحكمة*، قم، مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة مدرسين بقم المشرفة، ۱۳۶۴.
- _____، *نهاية الحكمة*، به اشراف ميرزا عبدالله نورانی، قم، مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة مدرسين بقم المشرفة، ۱۳۶۲.
- طوسی، خواجه نصیرالدين، *تلخیص المحصل* (معروف به *تقد المحصل*)، تصحيح عبدالله نورانی، تهران، مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مك گیل، ۱۳۵۹.
- فارابی، ابو نصر، *الجمع بين رأيي الحكيمين*، به كوشش أليير نصری نادر، بيروت، دارالمشرق، ۱۴۰۵ق.
- كديور، محسن، *مجموعه مصنفات آقا علی مدرس طهرانی*، ج ۲، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۸.
- مدرس زنوزی، آقا علی، *بدايع الحكم*، مقدمه و تنظيم احمد واعظی، تهران، الزهرا، ۱۳۷۶.
- مصباح يزدي، محمد تقی، *تعليقه بر نهاية الحكمة*، ج ۱، تهران، الزهرا، ۱۳۶۳.
- _____، *شرح اسفار*، ج ۱، تحقيق و نگارش محمد تقی سبحانی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۰.
- ملاصدرا، محمد صدرالدين شیرازی، *الحكمة المتعالية في الاسفار العقلية الاربعة*، ج ۱ و ۲، بيروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۱م.
- ملا محمد، اسماعیل، *تعلیقات شوارق الالهام*، ج ۱، چ سنگی، تهران، مكتبة الفارابی، ۱۴۰۱ق.
- نوری اصفهانی، آقا علی، *حاشیه بر الحكمة المتعالية في الاسفار العقلية الاربعة*، ج ۱، بيروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۱م.
- هیدجی زنجانی، محمد، *حاشیه بر الحكمة المتعالية في الاسفار العقلية الاربعة*، ج ۱، بيروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۱م.